

سوء الظن بالمحسن شر الاثم واقبح الظلم:  
کمان بد در باره شخص نیکوکار از بزرگترین  
گناهان و ناپسندترین انواع بیعدالتی است .  
«علی علیه السلام»

## بدبینی

\* نقاط روشن و تاریک زندگی

\* زیانهای بدبینی

\* مبارزه اسلام با بدبینی

زندگی انسان آمیخته با رنج و آسایش است ، و هر کدام یک ناحیه از حیات و عمر کوتاه و محدود بشر را فرامیگیرند ، هر کس بسهم خویش با حوادثی مواجه میگردد ، و گرفتار مصائب و مشکلاتی میشود ، و طبق همین واقعیت انکارناپذیر زندگی آدمی همواره میان سختی و راحتی در نوسان است .

مانمیتوانیم این ناموس ابدی دنیا را تغییر داده و بدلخواه خود در آوریم ، اما پس از آشنائی بحقیقت زندگی میتوانیم نظر خود را بجنبه خوب اشیاء و پدیدههای هستی معطوف ساخته ، و اشکال ناپسند را از رخسار جهان وسیعی که اینهمه بدایع و لطیف در آن آفریده شده ، و هر کدام معانی مخصوص و لطیفی دلنشین دارند ؛ برگزیریم ، و یا بالعکس نقطههای روشن و درخشنده اشیاء را از یاد برده ، و بنقاط تاریک و جنبه های سیاه و تیره آنها متوجه گردیم ، و خلاصه هر فردی این قدرت را دارد که فکر خویش را بهر جهتی بخواهد هدایت نماید ، و دنیا را بهر رنگی

که مایل باشد رنگ آمیزی کند

برای مواجهه با ناسازگارهایی که سدره زندگی میشوند ، باید مهیا شده خونسردی خود را حفظ کنیم ، و گرنه با خسارت های جبران ناپذیری روبرو خواهیم شد ، وجه بسا در مقابل حوادث سرنگون میشویم .

بعضی تصور میکنند اگر طور دیگری حوادث جهان جریان پیدا می کرد ، سعادتمند میشدند ؛ و حال آنکه بدبختی آنها مربوط به حوادث نیست بلکه بچگونگی «تلقی حوادث» بستگی کامل دارد ، چه میتوان تأثیر عوامل خارجی را بر روی دل و جان تغییر داد . و بکسب موفقیت نائل شد . جربان افکار و اندیشه ها در خوشبختی اثر عمیق دارد ، و یگانه عامل مؤثر در سعادت ، میزان عقل و فکر است یک پیش آمد و اتفاق غیر عادی در نظر فردی که بتاریکیها متوجه است بزرگ و تحمل ناپذیر خود نمائی میکند ، و بصورت خرد کننده ای در می آید ، ولی روش کسی که بنقاط روشن زندگی چشم دوخته ، و بجای بدی به نیکی عقیده مند میباشد ، در برابر آلام و ناملایمات غیر قابل اجتناب زندگی منکی باصل «تسلیم» است ، و حتی در برخورد با دشوارترین مصائب ، مقاومت خود را از دست نداده ، و از جاده متانت و بردباری خارج نمی گردد .

آنهاست که عادت دارند محور بدبختی را متوجه خود بدانند ، روزگار تار یک و پرشکنجه ای میگذرانند ؛ و بواسطه حساسیت مبالغه آمیزی که در مقابل ناگواریها دارند ، بیهوده نیروهای خود را تباه میسازند ، و از برکات و مواهب جهان که پیرامونشان را احاطه کرده است غافل و بیخبرند .

دانشمندی میگوید : دنیا با انسان معامله متقابل میکند اگر بخندید بروی شما میخندد و اگر چین به ابرو اندازید او هم مقابل شما برود و در هم میکشد اگر متفکر باشید در کنار دانشمندان جای میگیرید و بالاخره اگر مهربان و صمیمی باشید در اطراف خود مردمی رامی بینید که همه شمارا دوست میدارند و در گنجینه دلها را برویتان باز میکنند .

هر چند آلام و رنجها بظاهر تلخ و ناگوارند ، اما بافکار و روان نتایج خاص و ثمر بخش خود را میبخشند ، چه قوای روحی انسان در میان تاریکی سختیها بیشتر تجلی میکند ، و در طی همین گیرودار و تکاپو و فداکاری ممتد و مداوم ؛ عقل و روح بقله کمالات انسانی صعود خواهد کرد .

## زیانهای بدبینی

«بدبینی» یکی از بیماریهای خطرناک روحی و سرچشمه بسیاری از ناکامیها، و ناامیدیهاست، بدبختی دردناکی است که در روان آدمی عذاب ایجاد میکند، و اثرش بر روی شخصیت محو نشدنی است.

رنجها و محنتها کانون حساسی است، که ممکن است بدبینی از آنجا آغاز گردد و منشأ یکنوع طوفان و انقلاب شدید در عواطف و احساسات شود، بذربدبینی که از همین رهگذر در مزرعه دل کشت میشود، ثمر تلخ و ناگوارش را روی افکار و اندیشههای آدمی بجای میگذارد.

کسیکه آئینه روحش از غبار بدبینی تیره شده است، نه تنها زیبائیها و خوبیهای آفرینش در آن تجلی نمی کند، بلکه خوشبختی قیافه خود را عوض کرده و بصورت ملالت و نکبت ظاهر میگردد، و بواسطه بدگمانی نه میتواند اعمال و رفتار هیچکس را خالی از غرض و آلودگی تصور نماید، در چنین افرادی که روحیه آنها منفی است قهر آقوه مثبتی وجود ندارد، دائماً بقدرت خیال و توهم برای خویش مشقت ایجاد میکنند، و حتی افکار خود را درباره سوانحی که شاید هرگز بآن برخوردند تلف میسازند!

همانطوریکه تأثیر نفوذ مرد امیدوار و نیرومند در اطرافیان مسری است، و همه از عظمت روح و امیدواری او جان میگیرند، شخص بدبین نیز بدیگران تلقین رنج و اضطراب میکند و امید را که همچون چراغی نورافشان راه پر پیچ و خم زندگی را روشن میسازد، از آنها میگیرد!

اثر سوء بدبینی تنها مربوط به روح نیست، بلکه بر روی جسم نیز آثار سوئی میگذارد، و درمان بیماریها راه شکل میسازد، یکی از پزشکان برجسته اظهار میدارد: «**مهاججه کسی که با هر کس و هر چیزی مخالف است از کوشش برای نجات کسی که با تصمیم بانتهار خود را بدریاه میافکنند مشکلتر است؛** دارودادن بکسی که در میان ناخشنودی و همچنان مداومی زندگی میکند مثل این است که انسان در روغن زیتون جوشانی آب بریزد زیرا برای اینکه هر دارویی تأثیر لازم را ببخشد بیمار باید دارای روح اعتماد باشد و آرامش فکر خود را حفظ کند.»

حالات کناره جوئی و احتراز از معاشرت با دیگران گاهی بطور واضح در شخص بدبین مشاهده میگردد، و تحت تأثیر همین عادت نامطلوب استعداد ترقی در وجودش نابود میشود و

عاقبت بزندگی ناخوشایندی محکوم خواهد شد. یکی از علل انتحار تسلط بدبینی بر افکار و روح است؛ و تصمیم و اقدام باین گناه نابخشودنی غالباً از همینجا می‌گیرد. وقتی باوضاع جامعه نظری معطوف دارید مشاهده خواهید کرد که بیشتر سخنان مردم نسبت بیکدیگر بی‌مطالعه و تأمل و ناشی از بدگمانی است، با اینکه قدرت سنجش و داوری آنها ضعیف است مع الوصف پیش از آنکه به تشخیص مطمئن و صحیح برسند؛ نظر قطعی میدهند و غالباً دچار گمراهی تصدیق‌های بلا تصور هستند، و گاهی نیز اغراض شخصی از خلال گفتارشان کاملاً مشهود می‌شود، همین عیب بزرگ سبب گسیخته شدن رشته الفت و وحدت قلبی و سلب اعتماد اشخاص از یکدیگر شده، و مشخصات اخلاقی و روحیه آنها را تباه کرده است.

برخی از عداوت و دشمنیها که زیانش برای فرد و اجتماع از هر جهت غیر قابل جبران است از گمانهای خلاف واقع و بیمورد سرچشمه میگردد.

بدبینی در میان طبقات گوناگون اجتماع رخنه میکند، و حتی افکار دانشمندان و فلاسفه را نیز اشغال مینماید، در ادوار مختلف میان هر قوم و ملتی دانشمندان پدید آمده‌اند، که بعلت بدبینی اشتباهات و تاریکی‌های عمیقی در طرز تفکر آنها وجود داشته است؛ بجای این که بوسیله علوم و دانش خود بجامعه بشریت خدمت کنند، عقائد خود را بر اساس عیبجوئی و خرده‌گیری از نظام آفرینش استوار ساخته، و بوسیله منطوق غلط و افکار زیانبار خود روح اجتماع را مسموم؛ و مبنای عقائد و مبادی اخلاقی آنها را آورد استهزاء قرار داده‌اند، در بعضی از آنها بطوری بدبینی شدت یافته، که از وحشت و ترس از دیاد و فزونی آمار نفوس بشر، و فشار فقر و استیصال، هر چیزی را که بمحدودیت نژاد انسانی منجر میشده است، جایز شمرده، و حتی کشتارهای وحشیانه و خونریزیها را برای نقصان افراد بشر روا دانسته‌اند؛ مسلماً اگر مردم جهان از افکار مسموم آنها پیروی میکردند، امروز اثری از علم و تمدن بوجود نمی‌آمد.

دانشمندی میگوید: «بدگمانی در میان افکار انسان مانند خفاش در میان پرندگان است که همیشه در سپیده صبح یا بهنگام غروب که نور و ظلمت بهم آمیخته است بال افشانی میکند».

### مبارزه اسلام با بدبینی

قرآن مجید بطور صریح و روشن «سوءظن» را گناه شمرده، و مسلمانان را از بدگمانی نسبت بیکدیگر بر حذر داشته است: **یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض**

**الظن اثم** - ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها پرهیز پذیرا بعضی از گمانها گناه است (حجرات آیه ۱۲) در منطق دین بدگمانی نسبت باشخاص بدون دلیل قطعی قدغن شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند سه چیز را از مسلمانان بر شما حرام کرده: خون آنها و مال آنها و اینکه درباره آنها گمان بد بپسید، همانطوریکه بدون مدرک و دلیل کافی صادر کردن حکم با انتقال مال یک فرد بفردد دیگر مشروع نیست، در خصوص گمانها نیز؛ نمیتوان باسانی درباره اشخاص سوء ظن برد؛ و قبل از ثبوت قضیه آنها را بدبینی و ناپاکی منتهم ساخت. علی علیه السلام می فرماید: «ليس من العدل القضاء على الثقة بالظن»؛ «از عدالت دور است که انسان درباره امری با تکیاه و اعتماد به گمان خویش، قضاوت نماید» (نهج البلاغه ص ۱۱۲۴).

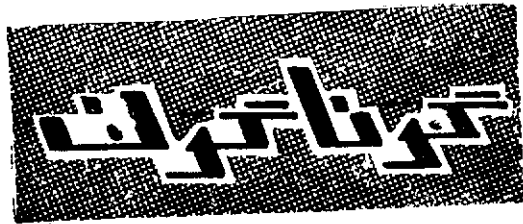
البته باید توجه داشت که منظور از بدگمانی؛ تمایل و انحراف دل به جانب ظن و گمان و پافشاری و ایستادگی روی آن است، و خلاصه آنچه مورد نهی واقع شده، بگمان ترتیب اثر دادن است، و گرنه گمانهاییکه بدل میکند و از قلب عبور میکند و هیچگونه ترتیب اثری بآن داده نمیشود چون اختیاری نیست، و جلوگیری از آن از حدود توانائی انسان خارج است، صلاحیت ندارد مورد تکلیف واقع شود.

بنابر آنچه گذشت چون سر چشمه زندگی تلخ و نا موفق بدبین ها از همین عیب بزرگ است، لذا باید دید این بیماری از چه ناشی شده؛ و با تشخیص علت بدرمان آن پرداخت.

## حقوق همسایه

رسول اکرم (ص) درباره حقوق همسایه چنین میفرماید:  
 هنگامیکه برای خانه خود میوه میخوری مقداری از آن به همسایه هدیه کن، و اگر امکان آنرا نداری، آنرا محرمانه بمنزل ببر  
 مواظب باش فرزندت میوه را بیرون از منزل نبرد، تا فرزندان همسایه از دیدن آن ناراحت و آزرده خاطر گردند

بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۱۲



## جنگ و احترام خون بشر

تاریخ بما نشان میدهد که در مجموع جنگهای پیامبر اسلام که شاید در حدود ۸۰ جنگ بود، مجموع تلفات انسانی از طرفین - مسلمانان و مشرکین - فقط در حدود ۱۴۰۰ نفر بوده است.

نویسنده کتاب «برنامه انقلاب اسلامی» مینویسد: در تمام این جنگها عده مقتولین از طرفین، در حدود هزار و چند نفر بود و بس و استاد سید ابوالحسن ندوی در کتاب «ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین» بنقل از تحقیقات دانشمند متقیمی که از روی متون تواریخ اسلامی آمار صحیح و دقیقی از کشته شدگان دوره پیامبر اسلام را تهیه کرده، میگوید: «مجموع تلفات انسانی در جنگهای عصر رسول اکرم (ص) از طرفین هزار و هجده نفر بوده است...»

در صورتی که پیامبر اسلام رژیم فئودالیته جنایت باری را از بین برد، عقیده و طرز فکر نوینی را جانشین عقاید پوسیده قبلی کرد؛ و رژیم و حکومت جدیدی را تشکیل داد. بد نیست این آمار را مثلاً با کشته شدگان الجزایر در مدت ۷ سال جنگ که به یک میلیون نفر بالغ گردید، مقایسه کنید.

## تأثیر مطبوعات

دکتر گوستاو لوبون، دانشمند معروف فرانسوی و مؤلف کتاب «تمدن اسلام و عرب» در باره تأثیر مطبوعات در ایجاد تحولات بزرگ چنین مینویسد: «روزنامه و کتاب تأثیر عظیمی در نفوس دارد و اثرش از نطق و خطابه هر چند کمتر است ولی در هر حال از نفوذ عمیق آن نباید غافل شد. کتاب را همه مردم نمیخوانند ولی باز اثری بسزادر تکمیل افکار دارد. چنانچه مؤلفات روسو» که نزد انقلابیون فرانسه در حکم کتاب مقدس بود اثری کلی در انقلاب فرانسه